

روزهای اسفند

یاسمن رضاییان

روز احسان و نیکوکاری

برای همه دعا می کنم

همیشه با خودم می گفتم، روزی که وضع مالی ام خوب شود به همه آن هایی که نیاز دارند کمک می کنم. با خودم فکر می کردم، از گل فروش چهارراه گل می خرم و از فال فروش ها، فال تا باری از روی دوششان بردارم.

یک روز که این را به مادر بزرگ گفتم، لبخند زد و گفت: فکر خیلی خوبی است، ولی همه کمک کردن ها که احتیاج به پول ندارند، می توانی از همین سن هم شروع کنی. بعد از آن، در اتوبوس جایم را به افراد مسن می دهم، شکلاتم را با دیگران تقسیم می کنم، برای پرنده ها در ایوان نان می ریزم و برای همه دعا می کنم. مادر بزرگ گفت: اگر هیچ کاری هم نتوانستی انجام بدهی، دعا کن. دعا همه چیز را بهتر می کند. و من دعا می کنم خورشید خوشبختی بی وقفه بر همه آدم ها و موجودات خدا بتابد.

۱۴



روز بزرگداشت خواجه
نصیرالدین طوسی

ستاره پر فروغ آسمان

آسمان آفریده عجیبی است. گاهی شب ها قبل از خواب به آن نگاه می کنم و در بیکرانی اش غرق می شوم. کتاب هایی که در مورد نجوم خوانده ام، شگفتی ام را بی نهایت کرده است. وقتی عمیق فکر می کنم، می فهمم آسمان از آنچه نشان می دهد شگفت انگیزتر است. بعد فکر می کنم، نشان می دهد شگفت باید آدم های خاصی باشند. آدم هایی که در مورد نجوم تحقیق می کنند باید آدم های خاصی باشند. خواجه نصیرالدین طوسی انسانی خاص بود که رصدخانه مراغه به دستور او تأسیس شد. این رصدخانه امروزه حالت قدیمی اش را از دست داده و بیشتر به فضایی تماشایی برای مرور تاریخ تبدیل شده است. طوسی در علم هیئت و نجوم استعداد و توانایی فوق العاده ای داشت و در کنار این رصدخانه، کتابخانه ای نیز دایر کرد که حدود چهل هزار جلد کتاب در آن وجود داشت. ستاره عمر خواجه نصیرالدین در سال ۶۷۲ قمری به خاموشی گرایید. اکنون آسمان آبی کاظمین تماشاگر آرامگاه این دانشمند ایرانی است.

۵

روز درختکاری

یک جنگل پر از درخت

پرنده پرسید: بهار چیست؟ درخت شاخه های خشکش را تکان داد و گفت: بهار، تولد دوباره است. پرنده کوچک بود و چیزی از بهار گذشته به یاد نداشت. پرسید: تولد چه شکلی است؟ درخت چشم هایش را بست و گفت: تولد یعنی سبز شدن. تولد شبیه جنگل پر از درخت است.

رسم کهن درختکاری سال های سال است که در ایران برگزار می شود تا به بهانه آن به طبیعت احترام بگذاریم. این روز فرصتی است تا یاد محیط زیستمان باشیم و با کاشت نهال، هوای بیشتری به دنیایمان هدیه دهیم.

۱۵



جنگل ابر، شاهرود

۴

روز راهیان نور

سفر در زمان

۲۰

داستان‌های فانتزی پر هستند از سفر در زمان، سفر به آینده و سفر به گذشته. یک بار دلم خواست به یکی از این سفرها بروم؛ روزی که دوستم پیشنهاد کرد در اردوی راهیان نور مدرسه ثبت‌نام کنیم، فهمیدم می‌شود در زمان سفر کرد. راهیان نور سفر می‌کنند به منطقه‌های جنگی جنوب و غرب کشور؛ مناطقی که جوانان و نوجوانانش در مرزهای وطن، خونشان را دادند تا ما در هوای آزادی نفس بکشیم. من در این سفر به سال‌های جنگ برگشتم و اندکی از حال و هوای جنگ و روزهای سخت آن شنیدم.



روز بزرگداشت پروین اعتصامی:

مادرم شاعر است

«بچه که بودم، مادرم برایم قصه می‌گفت، قصه‌هایی به زبان شعر. من چشم‌هایم را می‌بستم و در خیالاتم با قصه‌های مادر سفر می‌کردم. آهنگ شعرهایش به من آرامش می‌دادند و همیشه احساس می‌کردم مادرم شاعر است.»

پروین اعتصامی، شاعر معاصر، در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در تبریز به دنیا آمد. او جزو معدود شاعران زن است که توانست نام خود را میان شاعران مرد تاریخ ادبیات ایران حک کند. پروین با اینکه مادر نبود، لحن مادرانه‌ای در شعرهایش دارد و با بیانی شیوا و دلنشین، زیبایی‌ها و زشتی‌های دنیا را به خواننده‌اش نشان می‌دهد.

روز ملی شدن صنعت نفت ایران

بهار در بهار ایران

۲۹

آقاخان می‌گفت: باد آورده را باد می‌برد. پرسیدم: منظورتان چیست؟ گفت: اگر برای به دست آوردن چیزی تلاش کنی، همواره برایت باقی می‌ماند، اما اگر تلاش نکنی و از روی شانس آن را به دست بیاوری، بالاخره یک روز از دستش می‌دهی. آقاخان می‌گفت: برای به دست آوردن عزت و سربلندی و ارزش‌ها باید تلاش کرد. باید سختی کشید و از ناملایمات راه نترسید. شلوغی‌ها اوج گرفته بود. دولت‌های بیگانه می‌خواستند صنعت نفت ایران را در تسلط خودشان بگیرند، ولی مردم این را نمی‌خواستند. محمد مصدق نخست‌وزیر وقت با تمام قوا به مقابله با این زیاده‌خواهی بیگانگان برخاست. بالاخره تلاش‌ها نتیجه داد و در ۲۹ اسفند سال ۱۳۳۹ صنعت نفت ملی شد و این موفقیت بهاری دیگر، در آستانه بهار بود.

روز بزرگداشت سید جمال‌الدین اسدآبادی

از شرق تا غرب به احترام دانش

۱۸

گاهی احساس می‌کنی چیزی گم کرده‌ای. احساس می‌کنی چیزی کم است. دنبالش می‌روی و پیدایش می‌کنی، چون که جوینده یابنده است. حس عجیبی است حس نبودن. شاید در کتابی، شعری، جاهای خاص پیدا می‌شوند. این قصه سید جمال‌الدین اسدآبادی است؛ دانشمندی که در سال ۱۲۵۴ قمری در اسدآباد همدان به دنیا آمد و برای زیادی کرد. از همدان به تهران، هند، نجف، مصر و انگلستان رفت. شهرهای اسلامی را گشت و با عالمان زیادی دیدار کرد و آثار ارزشمندی در همین زمینه تألیف کرد. بزرگ‌مردی که در کودکی و در بازی‌هایش مسافر هند، مصر و رم بود، در بزرگسالی نیز همیشه در سفر بود و سرانجام در سال ۱۳۱۴ قمری دشمنانی که با وجود عدالت‌خواهی این مرد مقام و منصب‌شان را در خطر می‌دیدند، او را به شهادت رساندند.

نام دیگر مادرم فاطمه (س) است

سالروز شهادت حضرت فاطمه (س)

۲۳

مادرم هجده ساله بود که من به دنیا آمدم. نامم را از نام بانوی آب و آیین و ام گرفت. مادر می‌گفت هجده سالگی سنی بود که فرزندان حضرت علی (ع) را از سایه مادر دور کردند. حضرت فاطمه (س) در سال پنجم بعثت و در مکه به دنیا آمد و در عمر کوتاه و پر ارزش خود، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، زینب کبری (س) و ام‌کلثوم (س) را پرورش داد. او در حالی که فقط هجده سال داشت، به سال یازدهم قمری، بر اثر ناملایماتی‌های دشمنان، دیده از جهان بست. مادران ما آبروی خود را از برکت نام او دارند.

